



شماره سوم - بیست و هشتم مرداد ماه - ۱۳۹۸

من «استاد»...
کیومرث پورا احمد



به بهانه عروسک‌هایی که در پرده نقره‌ای ماندند
برندسازی؛ سلکشن رویا

برای خاص‌ترین مخاطبان جشنواره

سرود مهر

پژمان بازغی :

برگزاری جشنواره را غنیمت شماریم



سی و دومین جشنواره بین المللی
فیلم‌های کودکان و نوجوانان

زیرساختی به نام مخاطب

برخی منتقدان و سینماگران برآنند که آبادی زیرساخت‌های هنر هفتم مقدم بر برگزازی هرر ویداد سینمایی ست، بنابراین بهتر است از برگزازی بسیاری از جشنواره‌ها رو بگردانیم و هزینه آن را صرف زیرساخت‌ها و ساخت سالن‌های سینمایی کنیم.



گرچه توجه به زیرساخت‌ها نفی ناشدنی ست، اما صرف نظر از نگاه‌های رادیکالی، اگر امتداد و استمرار ثمربخشی جشنواره‌های مهم رادر نظر بگیریم، به این مهم خواهیم رسید که هیچ یک از این دو، یعنی توجه به زیرساخت‌ها و برگزازی جشنواره‌ها، نافی دیگری نیست.

اما در مورد جشنواره فیلم کودک و نوجوان، فارغ از موضوع یادشده باید در نظر داشته باشیم که هستند سینمادوستان بسیاری که به خاطر سن و سال، نتوانستند از خاطره دوران اوج این سینما سنگری برای خود بسازند. گذشته از آثاری چون سری کلاه قرمزی و شهر موش‌ها که آنهم شاید نسلی متفاوت از نسل مواجه با اوج سینمای کودک رادر بر بگیرد، برگزازی جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، جدی‌ترین شاهد مثال برای گفتن از سینمای پررونقی ست که روزی نقش مهمی در چرخه اقتصاد هنر هفتم و بدنه آن داشته است.

والبته نباید از این مهم هم گذشت که چه بسا با وجود اتخاذ تدابیری نواز سوی مسئولان و متصدیان سینمایی، در سایه همدلی و همراهی بیشتر، از دل همین مخاطبان کم سن و سال جشنواره، می‌توانیم شاهد بروز و ظهور نسل آینده‌ساز سینمای کودک نیز باشیم.

محمد حسین لواسانی

- سخن سردبیر: ۲
پیشخوان ۳
کیوسک ۴
سرود مهر ۶
مریم سعادت؛ خوشبختی سینمای کودک ۸
بانوی حرفه‌ای ۹
مهین جواهریان؛ یک عمر جان بخشی ۱۰
یک استاد مدرن ۱۱
علیرضا رضاداد؛ آشنا با کودکان ۱۲
مدیرگرانها ۱۳
کاپیتان ۱۳ ساله ۱۴
میزبانی از کودکان سیل زده ۱۶
خوش بگذرانید ۱۷
گزارش تصویری ۱۸
دیباچه {کیومرث پورا احمد} ۲۰
برندسازی؛ سلکشن رویا ۲۱
کودک و فرشته ۲۳
برگزازی جشنواره را غنیمت شماریم ۲۵
حرفه: خبرنگار ۲۷
کامنتوسینما ۲۹



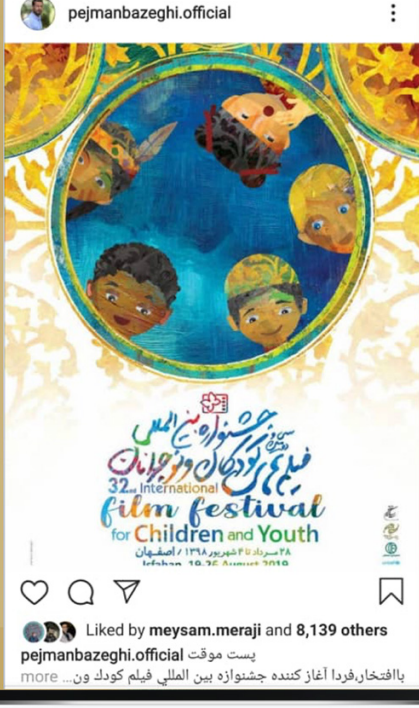
نشریه روزانه سی و دومین جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوان
مدیر مسئول: علیرضا تابش
زیر نظر: محسن دلیلی (مدیر روابط عمومی جشنواره)



سردبیر: محمد حسین لواسانی
مدیر هنری: احمد غلامی
دبیر عکس: امیرحسین غضنفری
گرافیک: محمدرضا عطار - محمدرضا موسوی
عکس: یاسمن ظهورطلب
همراهان: سارا کنعانی - مجتبی اردشیری - صدف فاطمی - محمدرضا کاظمی
شاره داوودی - نژاد پیکانیا - ملیکا نصیری - زهرا فراورده - مهدی درستی
برگردان: منصور جهانی
فضای مجازی: عاطفه نوذری
با سپاس از: میثم محمدی - سمیه خلیلی - سارا راعی و بشیر جعفری نیا



عاطفه نوذری - تصویری خوش رنگ از تمرین داوران منتخب نوجوان برای اجرای برنامه در افتتاحیه سی و دومین جشنواره کودک، همراه با رونمایی از تیزر جشنواره که حال و هوای بزرگ سالان را هم به دوران کودکی گره زده و همچنین تصویری از داوران بخش «وب سری» در کنار انتشار تیزر امید فیلم سازی نوجوانان که این روزها با هدف کشف استعداد نوجوانان قدم به سومین دوره خود گذاشته است، بخشی از نگاه مخاطبان جشنواره به برگزاری این رویداد است.





ادب آدمی به ز فیلمسازی اوست

جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان، امسال برای سومین بار میزبان نوجوانانی است که سودای فیلمسازی و کارگردانی در سر می‌پرورانند تا روزی بتوانند نامی در سینمای ایران برای خود دست‌وپا کنند و سری در سرها در بیاورند.

المپیاد فیلمسازی چراغ راهی برای این نوجوانان در مسیری است که قصد قدم گذاشتن در آن را دارند تا گام‌های نخست را به درستی بردارند و به بی‌راهه نروند. حال در این مسیر چیزی بهتر از اینکه در کلاس درس بزرگان فیلمسازی سینمای ایران به یادگیری بپردازند.

کلاس درسی که از همان مراسم افتتاحیه آغاز شد، جایی که مرضیه برومند نخستین درس را که بی‌شک مهم‌ترین‌شان هم بود به نوجوانان داد، او از اخلاقی گفت که در مرتبه‌ای بالاتر از فیلمسازی قرار دارد و رسیدن و عمل کردن به آن بسیار مهم‌تر از آن است که کارگردانی بزرگ شویم، چه آنکه ادب آدمی به ز فیلمسازی اوست. چه بسا اگر نوجوانان و استعدادها ما در هر عرصه‌ای این‌پند مادرانه را آویزه گوش خود کنند، زودتر از آنچه فکر می‌کنند به رویاهای‌شان برسند و چرخ روزگار بر مراد دل‌شان بچرخد.

وقتی لرزه بر اندام نوجوانان افتاد

سومین المپیاد فیلمسازی نوجوانان در حالی روز شنبه ۲۶ مرداد کار خود را آغاز کرد که شور و شوق نوجوانان حاضر در این دوره برای شناختن اساتیدشان حسابی جلب توجه می‌کرد.

اساتیدی که شاید نوجوانان، آن‌ها را تنها با آثارشان می‌شناختند و برای اولین بار بود که از نزدیک مقابل آنان قرار می‌گرفتند تا برای مدتی هر چند کوتاه هم که شده از حضورشان بهره برده و راه و چاه اولیه فیلمسازی را یاد بگیرند. صاف و زلال بودن نوجوانان در همان مراسم افتتاحیه حاضران را حسابی به وجد آورده بود، از

کودکی که تمایل داشت در گروه مرضیه برومند باشد و برای رسیدن به آرزوش وعده داد که تمام مدعوین را باقلوا مهمان می‌کند تا دختر خوش‌زبانی که بدون معطلی میکروفون را از مجری گرفت و با زبانی ساده و شیرین از لرزه‌ای که برای دیدن اساتید بزرگ حوزه فیلمسازی به اندامش افتاده بود، گفت.

در این بین بودند نوجوانانی که وقتی مجری مراسم از آن‌ها درباره استاد مورد علاقه‌شان می‌پرسید، حیا و خجالت ذاتی‌شان مانع از آن می‌شد که نامی بر زبان بیاورند و به ناچار پا روی دل‌شان می‌داشتند و می‌گفتند: «همه اساتید عالی و خوب هستند و تفاوتی ندارد در گروه چه کسی باشیم».


نظرسنجی سراسری از مخاطبان جشنواره

خوشبختانه مدیران بنیاد سینمایی فارابی و برگزارکنندگان جشنواره سی‌ودوم به موضوع پژوهش اهمیت داده‌اند و در نظر دارند بر اساس یک تحقیق علمی میدانی وضعیت تولید محتوا و ذائقه را در سینمای کودک و نوجوان بسنجند.

امسال برای نخستین بار و همزمان با برگزاری جشنواره سی‌ودوم، یک تیم پژوهش و نظرسنجی، ذائقه مخاطبان ژانر کودک و نوجوان را در سراسر کشور مورد بررسی قرار می‌دهد.

با توجه به اینکه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، امسال در تمامی استان‌ها نیز برگزار می‌شود، تیم نظرسنجی در سه بخش متفاوت «ذائقه و سلیقه مخاطبان»، «شیوه اجرایی جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان» و «سومین المپیاد فیلمسازی نوجوانان» را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.





MASHGH E ROOZANEH

مشق روزانه

برای خاص ترین مخاطبان جشنواره

سرود مهر

ملیکا نصیری



از دل آدمی می جوشد و ارتباطی به جسم او ندارد. روح انسان در هر شرایطی پَر می گیرد. میان انسانی که سازهایش کوک و سالم است با آدمی که سازش شکسته است و جسمش معلولیت دارد، تفاوتی نیست. انسان با بزرگی روحش سنجیده می شود و قدرت جسمانی در آواز زندگی نمی تواند اثرگذار باشد.

به ویژه اگر آدمی مشغول زیستن در سال های اولیه زندگی خود باشد، روح لطیف تر و آزادتری

«در روح من ارکستری نهان است، نمی دانم کدام ابزار موسیقی، ویلن و چنگ یا طبل و دهل در وجودم می نوازند و طنین بلند می افکنند. من خودم را تنها همچون سمفونی می شناسم.» «فرناندو پسوا» در درون همه ما ارکستری، سمفونی مخصوص به خود را می نوازند و آواها و نواهای یکنای خودش را خلق می کند. موسیقی هرکس شناسنامه ای از هویت انسانی خویشتن است که بر مبنای آن تعریف می شود.

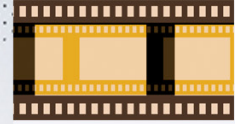
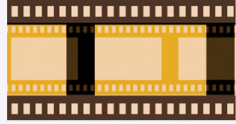
یکی نوای خسته پیانویی قدیمی در گوشه دیوار کافه ای دور افتاده است و دیگری صدای فریاد ساکسیفونی ست که در میدان شهر سرود زیستن می نوازند. شاید هم کسی در دلش تنبک می زند یا اصلا مجموعه ای از آلات موسیقی را درونش پنهان کرده تا نوای گوش نواز مجموعه سازهایش شنیده شود.

مهم نیست که موسیقی با چه سازی نواخته می شود، مهم این است که نوایی که جاری می شود بر دل بنشیند و آفریننده احساسی خوشایند و انگیزه ای برای زندگی باشد.

در ارکستر زندگی گاهی همه سازها کوک و همه چیز خوب است. گاهی هم سازی شکسته شده و نمی تواند آوای نت ها را طنین انداز کند. موسیقی، خود زندگی ست که باید با آن روبه رو شد. گاهی همه چیز خوب است و انسان سلامت و با سازهای کوک پیش می رود، گاهی هم نمی شود که نمی شود...

ساز شکسته تنها به ادوات موسیقی مربوط می شود و به آوای نهایی ارتباطی ندارد، چرا که یک موسیقی دان متبحر با ساز ناکوک و شکسته هم می تواند فریاد زندگی را سر دهد. چشمه موسیقی





نیز می‌توانند در سالن سینمای چهارباغ که برای استفاده آن‌ها تجهیز شده است به تماشای آثار جشنواره بنشینند. امسال هیچ سهمیه‌ای هم برای افراد معلول در نظر گرفته نشده تا عدالت، میان افراد توانمند و معلول برقرار شود و هیچ تفاوتی میان‌شان وجود نداشته باشد.

در این میان، کمیته بازاریابی افراد دارای معلولیت، با کارخانه‌هایی که در تولید وسایل برای معلولان فعالیت می‌کنند، تعاملی انجام داده است که بر مبنای آن خانواده‌ها می‌توانند با استفاده از کارت‌های تخفیف جشنواره، از امکانات در نظر گرفته شده استفاده کنند. هدف اصلی این کمیته نیز، ایجاد فرهنگ‌سازی لازم در زمینه رفتار صحیح با معلولان است و برای این مهم، پوستر و اینفوگرافی‌هایی نیز طراحی شده است.

تمام هدف متولیان این دوره از جشنواره استفاده حداکثری کودکان از این رویداد بوده تا بچه‌ها با هر میزان توان جسمی، تجربه نشستن در سالن سینما و تماشای فیلم را کسب کنند و هیچ تفاوتی میان آنان وجود نداشته باشد. بچه‌ها با هر توان جسمی، اول کودک هستند و روح کودکان در وجودشان با اشتیاق به انتظار تجربه و زندگی کردن نشسته است، از این رو هیچ مانع جسمانی نمی‌تواند روح کودکان آنان را زندانی کند.

شاید ساز این کودکان شکسته باشد، اما آن‌ها یاد گرفتند که با همان ساز شکسته، موسیقی‌ای خلق کنند که آوایش به گوش جهان برسد و همه را مسخ نوای خود کند، به مانند بتهوونی که نشنیدن، او را از مقصد و مقصودش بازداشت و قطعاتی خلق کرد که بعد سال‌ها هنوز هم مخاطب را مدهوش می‌کند.

خواهد داشت و در زندان جسم جای نمی‌گیرد. او شوق زندگی کردن دارد و به هر سختی که باشد راه خودش را پیدا می‌کند و سازش را کوک می‌کند. در سنین کودکی، آدمی اشتیاق زیادی برای دیدن، شنیدن و تجربه کردن دارد. یکی از امکاناتی که این تجربه را در اختیار کودک قرار می‌دهد، سینماست. سینما تجربه‌ای شیرین است که جایگزینی برای آن وجود ندارد. بچه‌ها با خوشحالی به صندلی‌های سالن تاریک سینما تکیه می‌زنند تا در قه‌ای جذاب که پیش چشم‌شان ظاهر شده است غرق شوند و از آن حالی نو فراگیرند.

بی تردید، همه کودکان حق استفاده از سینما را دارند، چه آن‌ها که ساز زندگی‌شان کوک است و چه آن‌ها که از نظر جسمانی به توجه ویژه‌تری نیاز دارند. سینما رویای کودکی همه انسان‌هاست و نباید حق استفاده‌اش از هیچ کودکی سلب شود. این روزها در جای‌جای شهر زیبای اصفهان، صحبت از کودکان و جشنواره فیلمی‌ست که برای بچه‌ها تدارک دیده شده است تا کودکان اصفهانی به سالن‌های سینمای شهرشان بروند و لحظه‌هایی شیرین برای‌شان خلق شود.

در این حال و هوای خوش برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، متولیان این رویداد، بچه‌هایی که از نظر جسمانی کم‌توان هستند را هم از یاد نبردند و سینمایی ویژه برای‌شان در نظر گرفته‌اند تا آنان هم مانند تمامی کودکان، زندگی را تجربه کنند.

در این دوره از جشنواره برای نابینایان و ناشنوایان اکران‌های تخصصی با دوبله همزمان در نظر گرفته شده است و بچه‌هایی که معلولیت دارند

مریم سعادت؛ خوشبختی سینمای کودک

داشت که با وجود غرور و بداخلاق بودنش همه او را دوست داشتند. مریم سعادت همچنین به عنوان یکی از مهمترین عروسک گردانان دو قسمت سینمایی «شهر موشها» در کنار مرضیه برومند حضور داشته است. همچنین سریال کم‌دی «بدون شرح» با حضور او، امیر جعفری و لیلی رشیدی نیز در اوایل دهه هشتاد محبوبیت ویژه‌ای را برای او رقم زد.

مریم سعادت زاده سال ۱۳۳۷ در تهران است. او که سال ۱۳۶۳ فارغ‌التحصیل شده است، مدرک کارشناسی تئاتر عروسکی خود را موفق شده از دانشکده هنرهای دراماتیک از آن خود کند و امروز او را به عنوان بازیگر و عروسک گردان می‌شناسیم.

مریم سعادت در «عطر و گلاب پاشید» به کارگردانی ایرج طهماسب و همچنین «خونه مادربزرگه» به کارگردانی مرضیه برومند به عنوان صدا پیشه حضور داشت و بعد به عنوان بازیگر در «سلامتی چه خوبه» و «آرایشگاه زیبا» ظاهر شد. از دیگر فعالیت‌های بازیگری تلویزیونی کارنامه او می‌توان به «برگی از زندگی»، «دوستان خوب»، «قصه‌های تاب‌تاب»، «فرزندم بزرگ شده»، «چون سرو قد کشیدن»، «فروشگاه»، «مدرسه مادربزرگها»، «سیاه سفید خاکستری»، «یک مرد آبی»، «این زمینی‌ها»، «سلام زندگی»، «دانی و من»، «خانه نیکو»، «کلبه سپید»، «کمین»، «داستانهای نوروز»، «رستوران خانودگی»، «کاراگاه شمسی و دستیارش مادام»، «بدون شرح»، «دیوانه در شهر»، «خوش رکاب»، «بانکی‌ها»، «خوش غیرت»، «باجناغ‌ها»، «کتابفروشی هد هد»، «آرزوهای شیرین» و... اشاره کرد.

جدیدترین سریال‌هایی که با بازی او پخش شده «در دسره‌های عظیم» و «پنچری» نام دارد که برزو نیک نژاد آن‌ها را کارگردانی کرده است.

کارنامه سینمایی سعادت نیز پرنسپ است و با «مهمان ناخوانده» در سال ۶۷ شروع می‌شود. برخی از معروف‌ترین بازی‌های سینمایی او در این آثار به یادگار مانده است: «تارزن و تارزان»، «ماهی‌ها عاشق می‌شوند»، «یک بوس کوچولو»، «قاعده بازی»، «آقا یوسف»، «پدر آن دیگری» و... مریم سعادت همچنین کارگردانی دواثر برای شبکه نمایش خانگی را بر عهده داشته که عبارتند از: «آوازخوان‌های کوچک» و «خاطرات الاغ مهربان». در سال ۱۳۸۹ نیز نمایش «کنسرت حشرات» به نویسندگی و کارگردانی او در تالار اصلی تئاتر شهر، اجرا شد.

در کارنامه هنری او سریال «تاب‌تاب» هنوز هم از بیشترین محبوبیت و شهرت برخوردار است، چراکه با آن بخشی از خاطرات کودکان دهه شصت و هفتاد را ساخته است. او در این مجموعه نقش زن همسایه عروسک محبوب سریال یعنی زی‌زی گولورا بر عهده





بانوی حرفه‌ای

رضایفاضی



یکی از عجیب‌ترین اتفاق‌های زندگی‌ام را با مریم سعادت در مجموعه تلویزیونی «قصه‌های تابه‌تا» تجربه کردم.

در زمان فیلمبرداری این مجموعه، مردم گمان می‌کردند که ما در دنیای واقعی نیز همسر یکدیگر هستیم، در حالی که در آن زمان اخلاق متضادی نسبت به هم داشته و درباره سایر مسائل، اختلاف نظر داشتیم. جالب بود، دو نفری که باهم اختلاف نظر داشتند، مقابل دوربین جوری زندگی می‌کردند که زن و شوهر به نظر می‌رسیدند. این اتفاق نشان از حرفه‌ای بودن ایشان داشت و باعث شد که مریم سعادت در ذهن من به عنوان یک بانوی حرفه‌ای ماندگار شود.

بعد از این سریال در شهر اهواز برنامه‌ای به اسم «خوشه چین» می‌ساختم که مصاحبه محور بود و در آن از هنرمندان برای گفت‌وگویی دوستانه دعوت به عمل می‌آوردیم. در آن برنامه نیز من و مریم سعادت همراه شده و درباره نکات مثبتی صحبت کردیم. باید بگویم که ایشان بازیگری حرفه‌ای است که کارش را به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهد. مریم سعادت، بازی در حوزه کودک و بزرگسال را به‌طور موازی پیش می‌برد و در هر دو حوزه موفق است.

به اعتقاد من در میان آثاری که او در آن‌ها نقش‌آفرینی کرده است، فیلم‌ها و سریال‌های خوب و ماندگار زیادی به چشم می‌خورد که در راس آن‌ها «قصه‌های تابه‌تا» و «دنیای شیرین»

قرار می‌گیرند و باور دارم که ایشان هنرمندی بسیار خلاق و انسانی مدرن و کاربلد است که اعتقاد عجیبی نسبت به حرفه‌اش دارد.

یک روز سر فیلمبرداری «قصه‌های تابه‌تا» قصه از این قرار بود که در بخشی، امید جمالی بچه‌ها را کتک زده و همه افراد خانواده با او قهر کرده بودند. قرار شده بود برای آن که همه با هم آشتی کنند، جشنی برگزار شود و میهمانی آشتی‌کنان صورت بگیرد. سکانشی در این قسمت بود که من بالای نردبان گروه فیلمبرداری بودم و مریم سعادت در آن پلان به من خرده فرمایشاتی می‌دادند که چراغ‌ها را کجا نصب کنم. ناگهان پای من لغزید و از بالای نردبان افتادم و بداهه‌ای شکل گرفت و زوی گولو گفت: «آقای جمالی مرد»، که همین موضوع سبب شد تا لحظه جذابی شکل بگیرد.

روزی مریم سعادت سر صحنه آمد و به من گفت که مادرم فکر می‌کند شما واقعا نوک‌زبانی صحبت می‌کنید، در حالی که آن طرز بیان، مختص به نقش من بود و در واقعیت اینطور حرف نمی‌زدم. زمانی که مادر مریم سعادت به ایشان چنین گفته بود، من فهمیدم که توانستم از پس اجرای نقشم به خوبی بریایم و آن را باورپذیر جلوه دهم. این گفته حس خوبی در من ایجاد کرد که باعث شده هنوز آن لحظه را به خاطر داشته باشم.

مریم سعادت، هنرمندی بسیار حرفه‌ای ست و یکی از ویژگی‌های او وقت‌شناسی ست که نشان‌گر قاعده‌مندی این بازیگر است. او بانویی بسیار هنرمند و دغدغه‌مند است.

مهین جواهریان؛ یک عمر جان بخشی

مهین جواهریان داوری در جشنواره‌های پویانمایی گوناگونی از جمله: جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران، جشنواره رشد، جشنواره فیلم کودک اصفهان، جشن خانه سینما و... را نیز بر عهده داشته است. فعالیت‌های او صرفاً به انیمیشن و فیلم‌سازی محدود نمی‌شود و جواهریان تصویرگری کتاب کودک را نیز به انجام می‌رساند. تا کنون کتاب‌های زیادی با هنر او جلدآرایی شده است که عناوین برخی از آن‌ها عبارتند از: «یک شیشه گلاب»، «عروسک گمشده»، «نذر»، «سوت فرمانروا» و ...

طراحی صحنه برنامه‌های تلویزیونی فعالیت دیگری است که جواهریان در آن مهارت دارد، آثاری همچون: «مجموعه سرودهای زندگی»، «برنامه هفتگی جمعه به جمعه»، «موش نمکی»، «منگوله گوش»، «وروره گیس»، «ببزقندی»، و سینمایی-تلویزیونی «در آرزوی مهربانی».

و اما طراحی تیتراژ که به عنوان نمونه‌هایی از آن می‌توان به مجموعه‌های تلویزیونی و سینمایی «علی و غول جنگل»، «در آرزوی مهربانی»، «منگوله گوش»، «موش نمکی»، «چشم چشم دوبرو» و... اشاره کرد. مهین جواهریان همچنین عضو هیات مؤسس و دبیر انجمن آسیفاست و به مدت ۲۱ سال در آن فعالیت داشته است. او عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران نیز هست.

مهین جواهریان یکی از پیشکسوتان عرصه انیمیشن است. او فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و همچنین رشته کارگردانی انیمیشن از دانشگاه هنر است.

فیلم‌های انیمیشن «یکی بود یکی نبود»، «بارون میاد جرجر»، «دویدم و دویدم»، «ارشمیدس»، «به آفتاب سلامی دوباره خواهیم داد»، «نه از خاکم» و... توسط این هنرمند معاصر کارگردانی شده است. جواهریان جوایز متعدد بین‌المللی و ایرانی را به ارمغان آورده است که از جمله آن‌ها می‌توان به جایزه جشنواره هایداد در ژاپن، منتخب ABU ۲۰۰۲ یونیسف، تقدیر در مجمع آسیای ژاپن پرایز NHK، جشنواره پویانمایی تهران، جشنواره رشد و... اشاره کرد.

این فیلمساز آثار خود را در فراسوی مرزهای ایران نیز به نمایش در آورده است. «بارون میاد جرجر» در سینماهای فرانسه و در موزه لوور اکران شده و همچنین دی‌وی‌دی آن در بازار این کشور توزیع شده است.

تالیف «تاریخچه انیمیشن ایران» به همراه مقالات تخصصی انیمیشن در نشریات متعدد و معتبر در کارنامه او به چشم می‌خورد. این بانوی فیلمساز در دانشگاه‌های سینما-تئاتر، تربیت مدرس، صداوسیما و... نیز تدریس داشته است.



یک استاد مدرن

از سویی مهین جواهریان به عنوان هنرمندی خاص، هنوز در کار خلق جهان‌های کودکانه، شیرین و از لحاظ بصری و آوایی زیبا و بومی است که پیوندی عمیق با گذشته و حال ایرانی ما دارد. خلق آثاری که باید گفت متاسفانه نمونه چنین حساسیت‌های هنرمندانه‌ای را در میان آثار انیمیشن‌های نسل بعد نمی‌توان یافت. از سویی دیگر، ایشان به عنوان زنی هوشمند و فعال در همه رویدادها و جریان‌های مرتبط با جامعه انیمیشن معاصر ایران، حضوری پررنگ و موثر در تمامی عرصه‌های بیرونی و درونی این هنر دارند.

این هنرمند با درایت و درکی جامع از این رویدادها به یاری دوستان و فرزندان خود می‌آید و با نشان دادن راه تحمل، مدارا و ارزشمندی و همچنین اهمیت دوستی و کار و منفعت جمعی، به راستی به عنوان نمونه یک استاد تاثیرگذار مدرن و معاصر شناخته می‌شوند. امیدوارم سال‌های سال سایه حمایت و درایت و هنرشان بر سر انیمیشن ایران و جهان مستدام باشد.

*** استادیار گروه انیمیشن/دانشکده سینما تئاتر/دانشگاه هنر**

*** فاطمه حسینی شکیب- در مهرماه ۱۳۷۵ که دانشجوی کارشناسی ارشد انیمیشن در دانشکده سینما-تئاتر دانشگاه هنر شدم، برای نخستین بار بخت آن را یافتم تا سرکلاس یکی از استادان جوان‌تر نسل دوم انیمیشن ایران، سرکار خانم مهین جواهریان، حاضر شوم.**

تحصیل در رشته انیمیشن در دوران آنالوگ و غیاب دسترسی به نرم‌افزار و سخت‌افزار کامپیوتر، تلفن همراه هوشمند، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ... داستان متفاوتی بود. داستانی که شانس دیدار استادان مجرب و دلسوز و عاشقی مانند استاد جواهریان را به وجود می‌آورد تا آنچه از دانش، تجربه و فیلم‌های ویژه و حتی امکانات استودیوی شخصی خودشان داشتند را پیشکش دانشجو کنند، این شرایط غنیمتی بود که هرچه گذشت، اهمیت آن بیشتر بر ما روشن و پیدا شد.

۲۸ سال بعد، اکنون که من هم به میان‌سالی رسیده‌ام و در دانشگاه و بیرون از آن با طیف وسیعی از جامعه انیمیشن اعم از استاد و دانشجو و هنرمندان پیشکسوت و جوان در ارتباطم، کماکان با شگفتی و تحسین نقش مثبت، سازنده و شایسته استاد عزیزمان مواجه هستم.



علیرضا رضاداد؛ آشنا با کودکان

جمهوری اسلامی ایران به فعالیت پرداخته است. او با پشتوانه‌ای از تجربیات مدیریت فرهنگی و تولید سریال و فیلم‌های سینمایی از سال ۸۱ تا ۸۵ به مدیرعاملی بنیاد سینمایی فارابی منصوب شد و با تاسیس گروه‌های تخصصی در آن بنیاد از جمله گروه تخصصی کودک و نوجوان توانست اهمیت سینمای کودکان و نوجوانان را بار دیگر مطرح سازد. رضاداد در طول سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ با تشکیل مجمع سینمای کودک و نوجوان، عضو هیات مدیره این مجمع و در جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان نیز عضو کمیته داور این مجمع بوده است.

او با تجربه چهار سال دبیری جشنواره فجر و چهار سال دبیری جشنواره کودک بار دیگر از سال ۸۲ به عنوان مشاور ارشد، همکاری خود را با سینمای ایران ادامه داد و پس از چند سال بار دیگر به دبیری جشنواره فجر منصوب شد و پس از دو دوره برگزاری جشنواره فجر از سال ۸۵ عهده‌دار مسئولیت جشنواره کودک و نوجوان شد و در فروردین ۹۸ از سمت دبیری این جشنواره کناره‌گیری کرد و هم‌اکنون به عنوان عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره کودک با این رویداد همکاری دارد.

در کارنامه ادبی او تصحیح و انتخاب گزیده یک مجموعه سه جلدی از کتاب «هزار و یک شب»، همراه با شرح لغات برای کودکان و نوجوانان وجود دارد. همچنین در کارنامه سینمایی او تهیه‌کنندگی اجرایی یکی از مهمترین آثار سینمای ایران یعنی «محمد رسول‌الله» به چشم می‌خورد.

از رضاداد در هجدهمین جشن سینمای ایران در سال ۱۳۹۵ تقدیر به عمل آمد و نام او در کنار سه چهره موثر سینمایی دیگر یعنی منوچهر محمدی، سید محمدخادم، و فاطمه معتمدآریا قرار گرفت.

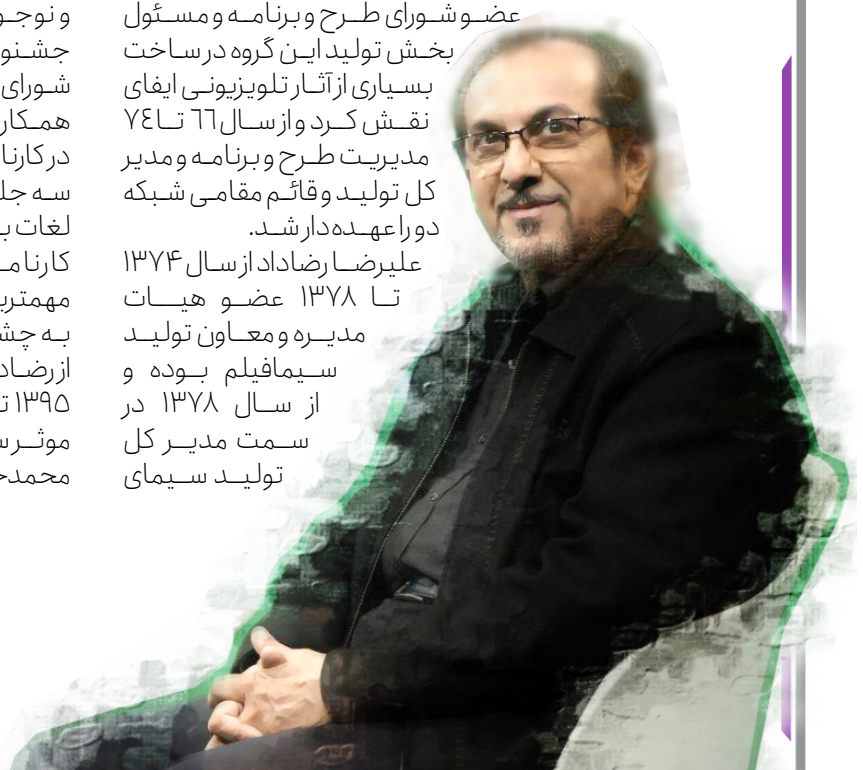
علیرضا رضاداد زاده سال ۱۳۳۸ در تهران است و دبیری شش دوره از جشنواره فیلم فجر و شش دوره از جشنواره فیلم کودک را بر عهده داشته است، از این‌رو می‌توان او را به عنوان یکی از دغدغه‌مندترین چهره‌های مدیریتی برای سینمای کودک به حساب آورد.

رشته تحصیلی رضاداد ادبیات فارسی بوده و آن را تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داده است، هرچند که از دانشسرای تربیت معلم نیز مدرک فارغ‌التحصیلی را دریافت کرده است.

شروع فعالیت او برای کودکان و نوجوانان با تدریس در آموزش و پرورش به پیش از پیروزی انقلاب برمی‌گردد. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همزمان با تدریس، همکاری خود را به عنوان کارشناس واحد کتاب با آموزش و پرورش ادامه داد و با آغاز همکاری با گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما به عنوان نویسنده و کارشناس بیش از پیش قدم به دنیای کودکان و نوجوانان گذاشت. او در سال‌های ۶۱ تا ۶۶ به عنوان عضو شورای طرح و برنامه و مسئول

بخش تولید این گروه در ساخت بسیاری از آثار تلویزیونی ایفای نقش کرد و از سال ۶۶ تا ۷۴ مدیریت طرح و برنامه و مدیر کل تولید و قائم مقامی شبکه دورا عهده‌دار شد.

علیرضا رضاداد از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ عضو هیات مدیره و معاون تولید سیمافilm بوده و از سال ۱۳۷۸ در سمت مدیر کل تولید سیمای



مدیر گرانبها

ابراهیم داروغه زاده

نگاهی به اکران سینمای کودک در دو سال گذشته نشان از تاثیر مثبت عملکرد و تلاش های رضاداد در رونق دوباره سینمای کودک دارد. علیرضا رضاداد از آن مدیرانی است که با تمام وجود، خود را وقف حوزه فرهنگ و هنر ایران اسلامی کرده و با صبوری و متانت مثال زدنی این مسیر سخت و پر پیچ و خم را مدیریت و راهبری می کند. وجودش برای سینما و اهالی سینما ذی قیمت است و امیدوارم همواره سایه پر مهرش پاینده و مستدام باشد.

برخی آدم ها هستند که به جایگاه ها اعتبار می دهند، هر جا که باشند به آنجا تشخص می دهند و مرتبه آن مقام را افزون می کنند. یکی از این افرادی که در سینما می شناسیم، علیرضا رضاداد است که همیشه و در هر جایگاهی که در سینما داشته، منشا اثر خیر و برکت بوده است. چه آن سال ها که مدیریت بنیاد سینمایی فارابی را برعهده داشت و چه در سال هایی که دبیر جشنواره بین المللی فیلم فجر بود. او همواره یاد و خاطره ای خوش از خود به جا گذاشته است.

علیرضا رضاداد با پذیرش دبیری جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان، هم شان و جایگاه جشنواره را افزون کرد و هم در پرتو سامان بخشی و رونق مجدد این جشنواره کمک شایانی به روشن تر شدن چراغ تولید و نمایش فیلم کودک که سال ها بود در حال سوسوزدن بود، انجام داد. علیرضا رضاداد سینمای کودک را یک زنجیره کامل می دید که جشنواره فیلم کودک و نوجوان یکی از حلقه های آن بود.

برای ساماندهی اکران فیلم کودک که از مهمترین حلقه های به دست فراموشی سپرده شده سینمای کودک بود، تلاش بسیار کرد و توانست شورای اکران را اقناع و مجاب کند تا به این امر مهم در سینمای ایران توجه ویژه مبذول کنند. نتیجه آن نیز الزام سرگروه های سینمایی به نمایش حداقل یک فیلم کودک در سال شد، اتفاق مهمی برای سینمای کودک که در نظامنامه اکران به تصویب رسید.





برای جایزه بهنام محمدی

کاپیتان ۱۳ ساله

حماسی و یک جایزه دوچندان ارزشمندتر به جشنواره اضافه شد. جایزه‌ای که در پس خود یک شفافیت ارزشی و یک افزوده‌ای گران بها برای فیلم‌سازی دارد که در اصل عصاره تفکر و حیات آن شهید بزرگوار را در لایه‌های اثر خود بروز و ظهور بخشیده است.

بهنام محمدی فقط یک نام نیست. یک مکتب است که باید سرمشق‌های آن در دفتر آثار سینمایی دغدغه‌مندان عرصه ایشار و گذشت و جان‌فشانی، ثبت شود و رنگ و بویی منحصر به فرد داشته باشد و هویتی مستقل و شفاف برای این جایزه که هفت دوره از آن گذشته رقم بزند.

کوتاه، از زندگی کوتاه شهید محمدی

بهنام محمدی در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۴۵ در منزل پدر بزرگش در خرمشهر به دنیا آمد. شهریور ۵۹ شایعه حمله عراقی‌ها به خرمشهر قوت می‌گیرد، خیلی‌ها داشتند شهر را ترک می‌کردند، اما بهنام تصمیم گرفت بماند. مباران هم که می‌شد بهنام ۱۳ ساله بود و خود

هر جشنواره و رویدادی برای برگزاری نیاز به دلگرمی و پشتوانه دارد. تیم بزرگی مشغول به کار می‌شوند و سایه یک کاپیتان بر سر آنان حضور دارد. در جشنواره کودکان و نوجوانان نیز که صاحبان و نقش‌آفرینان اصلی آن کودکان و نوجوانان هستند، همه عوامل و دست‌اندرکاران فیلم‌ها و جشنواره‌ها، مهمان کسانی هستند که دنیایی سرشار از ارزش و شکوه و زیبایی دارند. یک تیم دوست‌داشتنی از نسلی با لباس مهربانی و صداقت که بهترین احساس‌ها و حساس‌ترین مقطع سنی از حیات بشری را به خود اختصاص داده‌اند تا با انعکاس دنیای خود در زمین بازی سینما گل بکارند و گل بزنند و روز به روز به پیروزی‌ها و افتخارات‌شان بیافزایند.

از دوره بیست‌وپنجم جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان بود که تیم بزرگ جشنواره و این رویداد جهانی مزین شد به یک نام، که همچنان در پیشانی جشنواره می‌درخشد؛ شهید بهنام محمدی. کاپیتان ۱۳ ساله جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان با یک حضور

را به مجروحان می‌رساند.

شهید بهنام محمدی نوجوان ۱۳ ساله‌ای بود که در تمام روزهای مقاومت از ۳۱ شهریور تا ۲۸ مهر سال ۵۹ در خرمشهر ماند و مقاومت کرد و لقب «اولین شهید نوجوان دوران دفاع مقدس» را به خود اختصاص داد. بهنام آن‌طور که در تمام خاطراتی که از او برجای مانده و به زعم هم‌زمان و همدوره‌ای‌های خود نمادی از ایثارگری، مقاومت و از خودگذشتگی بود. جایزه‌ای هم که به اسم این نوجوان است، به تهیه‌کننده یا کارگردان یک فیلم که با مضامین ایثار، دفاع مقدس، مقاومت و ارزش‌های اسلامی تولید شده باشد، تعلق می‌گیرد.

نشان‌های افتخار بهنام محمدی

مهداد خوشبخت برای کارگردانی فیلم «صدای پای من»، اولین کارگردانی بود که در دوره بیست و پنجم این جایزه را از آن خود و نامش را در بین دریافت‌کنندگان این تندیس ثبت کرد.

دوره بیست و ششم هیات داوران به این نتیجه رسید که پروانه مرزبان برای تهیه‌کنندگی فیلم «بزرگمرد کوچک»، استحقاق دریافت این جایزه را دارد و چقدر تطبیق نام این فیلم با بهنام ۱۳ ساله عرصه ایثار همخوانی داشت. بزرگمرد کوچکی که پرسه‌زدن در روزهای کوتاه عمرش، بزرگترین درس‌ها را به همراه دارد.

اما جایزه بهنام محمدی می‌تواند فقط حاصل کارگردانی یا تهیه‌کنندگی یک فیلم نباشد و اینچنین بود که هیات داوران در دوره بیست و هفتم، نام امیرحسین رفیعا، بازیگر فیلم «تابستان طولانی» را به عنوان سومین دریافت‌کننده این جایزه اعلام کرد.

حسین قاسمی جامی هم در دوره بیست و هشتم جشنواره، با فیلم «به بادبادک‌ها شلیک نکنید» این جایزه ارزنده را با خود به خانه برد و در دوره بیست و نهم هیات داوران به این نتیجه رسید که گواهی افتخار شهید بهنام محمدی را برای کارگردانی فیلم «درخشش»، به میلاد جعفری اهدا کند.

اما محمدرضا حاجی غلامی تنها نامی است که توانسته تا به امروز در دو دوره متوالی سی‌ام و سی و یکم جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، با فیلم‌های کوتاه «سلام» و «جمعه گل» افتخار دریافت جایزه شهید بهنام محمدی را داشته باشد.

سکانس آخر

خمپاره‌ها امان شهر را بریده بودند و درگیری در خیابان آرش شدت گرفته بود. مثل همیشه بهنام سر رسید. اما ناراحتی بچه‌ها دیگر تاثیری نداشت، او کار خودش را می‌کرد، کنار مدرسه امیر معزی (شهید آلبو غبیش) اوضاع خیلی سخت شده بود. ناگهان بچه‌ها متوجه شدند که بهنام گوشه‌ای افتاده است و از سر و سینه‌اش خون می‌جوشد. چند روز قبل از سقوط خرمشهر شیربچه دلاور خوزستانی در ۲۸ مهرماه ۱۳۵۸ پر کشید و امروز آشیانه بهنام، این کیوتر خونین بال در قطعه شهدای کلگه شهرستان مسجد سلیمان، شهر آباء و اجدادش است.

حالا دوره سی و دوم جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در راه است و باید دید در این دوره از جشنواره کدام فیلم و هنرمند



توانسته به زنده نگه داشتن نام این نوجوان ۱۳ ساله که زندگی او سرشار از درام و هیجان و اتفاق بوده است، کمک کند. هدف از اهدای جایزه بهنام محمدی، صرفاً ترتیب جشنواره و آراستنی ظاهری نیست؛ بلکه باید به زندگی محمدی‌ها به عنوان نمایندگان نسلی که آرمان‌های خود را از سنین کم می‌شناختند و در راه رسیدن به آن‌ها با اخلاص جان خود را در دستان با کفایت خویش می‌گرفتند، بیش از پیش پرداخت و مشی و مرام‌شان را پررنگ‌تر و شایسته‌تر انعکاس داد.

میزبانی از کودکان سیل زده

می‌گوید «رویای کودکان سیل زده را بسازیم»، میزبان تعدادی از بچه‌های سیل زده از مناطق پل دختر و جنوب کشور خواهیم بود. در این بخش، آریتا رضایی و مجتبی ظریفیان که مجری‌های کودک هستند و به هنگام حادثه در مناطق سیل زده حاضر شدند و دل کودکان را شاد کردند، برنامه‌هایی را در این شب برای‌شان اجرا خواهند کرد تا این‌گونه در شب افتتاحیه نیز به شعار جشنواره جامه عمل پوشانده باشیم.

این کارگردان بیان کرد: مجری برنامه نیز پژمان بازغی است که به واسطه حضوری که در برنامه «کودک شو» داشته و توانسته بچه‌های زیادی را با خود همراه سازد به نظرم بهترین انتخاب برای اجرای این مراسم خواهد بود.

او با اشاره به اینکه چون مراسم افتتاحیه در فضای باز خواهد بود، این امکان برای مردم فراهم شده تا در این شب حضور داشته باشند و خاطره‌سازی کنند، گفت: برگزاری چنین برنامه‌ای در فضای باز سختی‌های خاص خودش را هم دارد، اما با مدیریت که صورت گرفته فکر می‌کنم به بهترین شکل از عهده برگزاری آن برآییم.

کارگردان مراسم افتتاحیه در پایان اظهار کرد: برای نمونه حدود ۱۰ هزار صندلی در پارک چیده می‌شود که برای حفظ نظم، جایگاه خبرنگاران و اهالی رسانه، مدیران، مهمانان ویژه و مردم جدا از هم خواهد بود. بالغ بر ۱۵ نفر نیز نیروی انتظامات و تشریفات داریم که به برقراری هر چه بهتر مراسم کمک می‌کنند. در پایان امیدوارم شب افتتاحیه، در ذهن حاضران ماندگار شود و خاطرات خوبی از این شب در ذهن‌شان رقم بخورد.

محمد سعید نصر با بیان اینکه مراسم افتتاحیه جشنواره بیست و هشتم مردادماه ساعت ۹ شب در هوای مطبوع و دل‌انگیز پارک غدیر اصفهان برگزار می‌شود، می‌گوید در این مراسم میزبان تنی چند از کودکان مناطق سیل زده خواهیم بود. محمد سعید نصر، کارگردان مراسم افتتاحیه سی و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان درباره برگزاری این مراسم گفت: در ابتدای مراسم کلیپ خوش‌آمدگویی به زبان فارسی و لاتین با گویندگی نوجوانان پخش خواهد شد و بعد از آن به معرفی بخش‌های گوناگون جشنواره می‌پردازیم. در ادامه، کلیپی از گزیده برنامه‌های ادوار گذشته نیز پخش خواهد شد.

او در این باره اظهار کرد: در ادامه کلیپ معرفی بخش «باشگاه مخاطبان» را پخش می‌کنیم تا همه حاضران از برنامه‌های این بخش آگاه شوند. چون افتتاحیه همزمان با عید سعید غدیر خم شده است، برنامه ویژه‌ای هم تدارک دیده‌ایم که در آن خواننده و موزیسین‌های نوجوان اصفهانی به اجرای موسیقی می‌پردازند. بعد از آن نیز پرچم حرم حضرت علی (ع) به اهتزاز در می‌آید تا بدین وسیله احترام خود را به ایشان ابراز کرده باشیم.

این کارگردان درباره آیتم موسیقی افزود: قرار است که ۲۰۰ نفر از کودکان و نوجوانان اصفهانی در قامت گروه گر حاضر شده و آهنگ‌های نوستالژیک کودکانه را اجرا کنند.

نصر با بیان اینکه برنامه افتتاحیه محدود به موارد گفته شده نمی‌شود، ادامه داد: برنامه‌های دیگری هم برای این شب تدارک دیده‌ایم، برای نمونه، با توجه به شعار امسال جشنواره که



خوش بگذرانید

المپیاد فیلم سازی زیر نظر چهره‌هایی چون طهماسب، درخشنده، برومند و... افتتاح شد

در المپیاد رسید و سپس حاضران المپیاد در هشت گروه برای آموزش زیر نظر استادان ارشد شامل ایرج طهماسب، عبدالله علیمراد، پوران درخشنده، ابوالفضل جلیلی، کامبوزیا پرتوی، مرضیه برومند، علی اکبر قاضی نظام و وحید نیکخواه آزاد به همراه مریبان تقسیم بندی شدند. عبدالله علیمراد، از پیشکسوتان حوزه انیمیشن نیز درباره آموزش به نوجوانان گفت: هدف از تدریس انیمیشن به کودکان و نوجوانان این نیست که انیمیشن ساز حرفه‌ای تربیت کنیم، بلکه هدف پرورش هوش و استعداد مستعدان است.

مرضیه برومند هم در سخنانی بیان کرد: سال‌ها مریبانم به من توصیه کردند که کتاب بخوان، هر انسانی که در حرفه‌های گوناگون فعالیت دارد اگر کتاب خوان باشد، بسیار موفق تر خواهد بود. اینکه شما در آینده انسانی‌هایی با اخلاق باشید بسیار مهم تر از این است که فیلمسازان بزرگی شوید. در پایان این مراسم کیک سومین دوره المپیاد فیلم سازی نوجوانان توسط استادان ارشد و حاضران این دوره بریده شد. سومین المپیاد فیلم سازی نوجوانان از امروز ۲۶ مرداد تا ۳۰ مرداد در شهر اصفهان برگزار می‌شود.

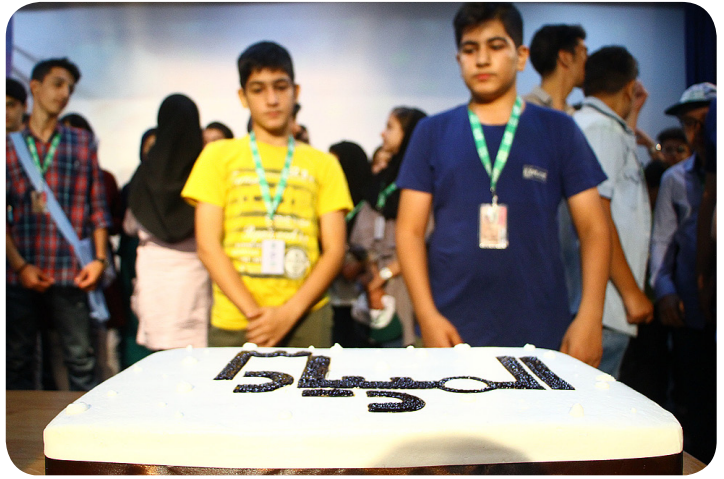
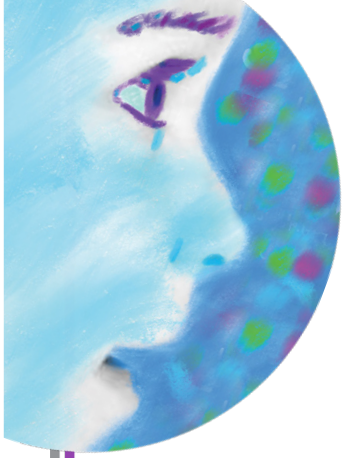
در این مراسم علاوه بر چهره‌های یادشده، حبیب ایل بیگی مشاور عالی دبیر و مدیر سومین المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران، علی اکبر قاضی نظام، عبدالله علیمراد، وحید نیکخواه آزاد، فریده روشن رئیس کمیسیون فرهنگی-ورزشی شورای اسلامی شهر اصفهان، حسین شیخ الاسلامی مدیر بخش وب سری، سعید پوراسماعیلی عضو شورای سیاست گذاری المپیاد و مهدی احمدی فر رییس حوزه هنری اصفهان نیز حضور داشتند.

صبح روز شنبه بیست و ششم مردادماه، المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران برای بار سوم در جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان آغاز به کار کرد تا نوجوانان حاضر در این المپیاد بعد از شناخت گروه‌های خود، برای آموزش فیلم سازی تحت نظر استادانشان آماده برگزاری کارگاه‌ها شوند.

در ابتدای مراسم افتتاحیه که با حضور چهره‌هایی چون ایرج طهماسب، پوران درخشنده، مرضیه برومند، ابوالفضل جلیلی، کامبوزیا پرتوی و ... همراه بود، علیرضا تابش، درباره سومین دوره المپیاد، خطاب به نوجوانان حاضر در مراسم با بیان اینکه قدر حضور استادان خود که افتخار دادند در این جمع حضور داشته باشند را بدانید، تاکید کرد: فرصتی برای کشف استعداد های نوجوان در عرصه فیلم سازی، هدف ما از برگزاری این المپیاد در کنار جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان است. همچنین امسال بخش ایده را نیز اضافه کردیم که اتفاق بسیار مطلوبی است. دبیر جشنواره سی و دوم با اشاره به اینکه امیدوارم در المپیاد سوم به شما خوش بگذرد، خطاب به نوجوانان المپیادی گفت: حضور چهره‌های سرشناس سینمای کودک این فرصت را به شما می‌دهد که در این اردوی چهار-پنج روزه از این عزیزان بیاموزید و برای ایده‌ها، آرزوها و خیال‌های بلند نظرانه خود برنامه‌ریزی کنید. در همین رابطه از آقای ایل بیگی، شورای سیاست گذاری المپیاد، شهرداری اصفهان، کانون پرورش فکری نوجوانان، دوستانم در انجمن سینمای جوان و بنیاد سینمایی فارابی قدردانی می‌کنم، چراکه این برنامه با تلاش این دوستان برگزار می‌شود.

در ادامه مراسم نوبت به معرفی نوجوانان حاضر

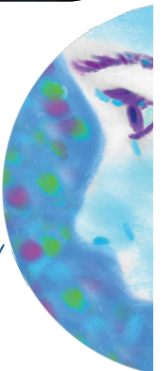




مراسم افتتاحیه سومین المپیاد فیلم سازی نوجوانان - عکس: امیرحسین غضنفری



سومین المپیاد فیلم سازی نوجوانان
32nd International
film festival
for Children and Youth
۲۸ مرداد تا ۴ شهریور ۱۳۹۸ / اصفهان
Isfahan, 19-26 August 2019





مشق شانه

MASHGH E SHADANEH

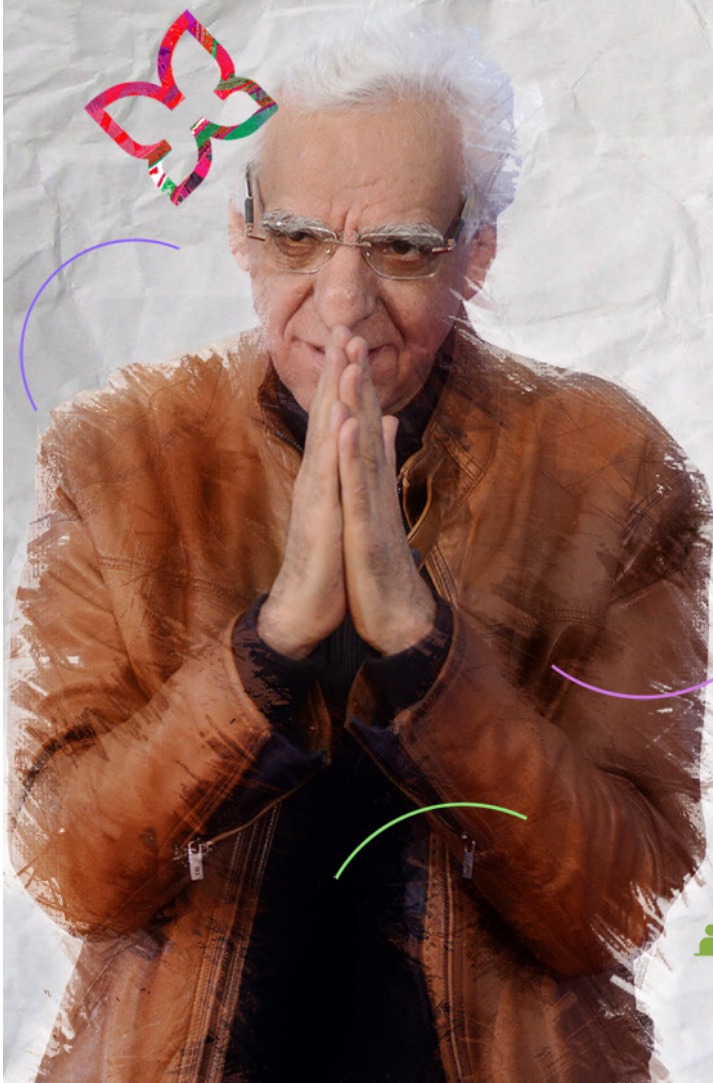
من «استاد»...»

حوزه کودک و نوجوان، تقصیرها گردن من نیست؛ من، هم انگیزه اش را دارم و هم سناریویی که دوست دارم پس از سال ها در سینمای کودک رقم بزنم را پیدا کرده‌ام؛ منتها انتظار یک همکاری دوستانه از فارابی را داشته و دارم که امیدوارم در آینده نزدیک محقق شود.

شاید جالب باشد بدانید که در بسیاری از مجامع، دوستان من را با لفظ «استاد» خطاب می‌کنند، اما در عمل، دست همکاری و همراهی نمی‌دهند. این قضیه، صحبت دیروز و امروز نیست و متعلق به چند سال است که چانه زنی داریم. من «استاد» می‌خواهم فیلم بسازم؛ آن هم فیلم کودک.

کیومرث پوراحمد- من در طول پنج دهه فعالیت در سینما و تلویزیون، کارهای بسیاری ساخته‌ام، اما خیلی طبیعی است که برخی من را به دلیل کارهای کودک در ذهن داشته باشند. البته که از این موضوع نه تنها ناراحت نمی‌شوم، بلکه اسباب خوشحالی هم هست. همین سال گذشته بود که انجمن منتقدان و نویسندگان خانه سینما، جایزه ۶۰ سال فیلم‌سازی کودک را به من اعطا کرد. خیلی راحت در آن جشن حضور پیدا کردم و آن جایزه را گرفتم. طبیعی هم هست که برخی من را با آثار کودکم به یاد داشته باشند. من هم اکنون ۷۰ ساله هستم و ۵۰ سال است که دارم به صورت مستمر کار می‌کنم؛ درست است، من از کار در حوزه کودک و نوجوان شروع کردم و به نوعی با همان کار کودکان هم به اوج رسیدم، اما آدمی نبودم که تا به شهرت رسیدم، بخواهم مسیرم را عوض کنم. اتفاق خاصی نیفتاده؛ بعد از آن، تنها کمی ذائقه ام تغییر کرد. اتفاق چندانی نیفتاده و حتی هنوز هم ممکن است فیلم کودک بسازم.

اینکه برخی فکر می‌کنند من طی این سال ها، تنها به سمت درام های بزرگ سال معطوف شده‌ام، به دلیل فراموشی سینمای کودک نیست. این طور هم نیست که دیگر نخواهم فیلم کودک بسازم. اتفاقا خیلی هم دوست دارم که چنین کاری را انجام دهم. از قضا سناریویی یک کار کودک هم ارائه دادم که برخی گفتند این سناریو نه و یک سناریوی دیگر بیاور. آن چیزی که من عرضه کردم، یک سناریوی درخشان از آقای «اصغر عبداللهی» بود. بارها اعلام کردم که من دوست دارم این سناریو را کار کنم اما شرایط به گونه ای است که باید بودجه اش از بخش خصوصی یا نهاد و سازمانی تامین شود. البته این حرف من این طور تلقی نشود که این سناریو، بودجه هنگفتی می‌طلبد؛ اصلا. یعنی بودجه اش چندمیلیاردی نیست. اگر یک فیلم معمولی، در حدود یک میلیارد و نیم هزینه می‌طلبد، این کار کودک، به خاطر ویژوال افکت هایش، حدود ۵۰۰ میلیون هزینه اضافه می‌خواهد که البته رقم زیادی هم نیست. بنابراین درباره کم کاری من در





به بهانه عروسک‌هایی که در پرده نقره‌ای ماندند

برندسازی؛ سلکشن رویا

کلیشه رایج و البته تاحدی درست این است که سینمای کودک جدی گرفته نمی‌شود و چون سینمای مورد قبولی وجود ندارد که در آن قهرمان‌سازی شود عروسکی از دل آن بیرون نمی‌آید. اگر هم عروسک‌هایی مانند دارا و سارا تولید شود به راحتی و بدون تقویت تصاویر قهرمان‌آفرین سینما مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. اما واقعا در سال‌های اوج سینمای کودک هم برندسازی مناسبی از عروسک‌های کارتونی صورت نگرفت و به عنوان مثال عروسک‌های کم کیفیت کلاه قرمزی جایی برای ماندگاری در ذهن و جان کودک پیدا نکرد. مشکل اساسی‌تر در این مسیر، جهانی نشدن صنعت سینمای کودک و محدود به حمایت ماندن این سینما است. سینمای کودک همان‌طور که در تولید، نگاه به دست دولت دارد در برندسازی هم نیازمند حمایت است تا این فاصله از جای دیگر و با بودجه حاضر و آماده پر شود. در حالی که این سینما باید خودبه‌خود فعال باشد و محصولات فرهنگی آن از روی پرده نقره‌ای سر از اسباب‌فروشی‌ها در بیاورد. اما وقتی صنعت سینمای کودک قابل اطمینان و اعتماد نباشد، جایی برای سرمایه‌گذاری خصوصی نیست. نگاهی به صنعت عروسک‌سازی در این سال‌ها نشان می‌دهد که برندها خودبه‌خود در این بازار جا باز نکردند، بلکه تفکر خلاق و نگاهی وسیع پشتیبان برنامه‌ریزی‌های آن‌ها بوده است. صنایع بزرگ و موفق عروسکی همواره تلاش دارند تا با دوبازوی منطق و احساس مصرف‌کنندگان را جذب

کامبیز حضرتی- عباس کیارستمی یک فیلم ۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه‌ای دارد با عنوان «من هم می‌توانم». این فیلم که وجه آموزشی زیادی دارد درباره پسر بچه‌ای است که در آن خود را با حیوانات مختلف مقایسه می‌کند: شبیه غازها راه می‌رود، مثل پرنده‌ها تلاش دارد بپرد و در پوست شیر و تمام جانوران می‌رود، اما در نهایت متوجه می‌شود که انسان با حیوان فرق دارد و ریشه آن در قدرت تفکر است.

این فیلم می‌تواند داستان برندسازی را برای ما بازنمایی کند. همه ما با دیدن آثار سینمایی همچون کاراکتر کودک «من هم می‌توانم» می‌خواهیم گاوچران، خرس مهربان، شیرشاه، سفیدبرفی و... باشیم، اما انگار جز نمونه‌های خارجی خبری از عروسک‌های داخلی و قهرمان‌های عروسکی ایرانی نیست.

فراموش نکنیم که سینمای کودک ایران در سال‌های اوج آن یعنی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ که دست پری در عروسک‌سازی داشت به صنعت عروسکی و بازار آن کم‌توجه بوده است. درست است در آن دوران انیمیشن‌های چندانی نداشتیم اما در عرصه عروسک‌سازی دست بالا داشتیم. عروسک‌هایی که شاید بخش عمده‌شان را مدیون مرضیه برومند، عادل یزدوده و چند چهره دیگر باشیم که سر حال و قوبراق در واحد کودک و نوجوان صداوسیما فعالیت می‌کردند. اما چه اتفاقی افتاد که صنعت عروسک‌سازی ما مهجور و محدود ماند و به تولید انبوه نرسید؟

کودک و فرشته

هم «نخودی» را به نمایش درآورد و هم «آینه‌های روبه‌رو» را. با «نخودی» دنیای سینمای کودک و نوجوان، باز تکانی خورد. در روزهایی که اغلب آثار حوزه کودک و نوجوان دچار شعارزدگی بود و با دنیای کودکان امروز فاصله داشت، «نخودی» اثر موفقی شد که مخاطبان زیادی را پای خود نشاند. همان روزها طائرپور گفت که کودکان امروز درگیر مسائل جدی و با مشکلات اقتصادی خانواده آشنا هستند، اگر قرار است نمایشی ساخته شود که آن‌ها را جذب کند، باید اندازه فهم‌شان باشد. خیلی‌ها گفتند حرفش را باید طلا گرفت و چراغ راه کرد تا سینمای کودک و نوجوان زنده بماند. حرفش حق بود و هست. به قول فرشته طائرپور، استاد مسلم سینمای کودک و نوجوان، نمی‌توان در حد فیلم‌های سیاه و سفید نیاز مخاطبان کودک را برآورده کرد. باید برای ایجاد ارتباط سراغ موضوعات و دغدغه‌های آن‌ها رفت تا داستان برای‌شان ملموس‌تر جلوه کند.

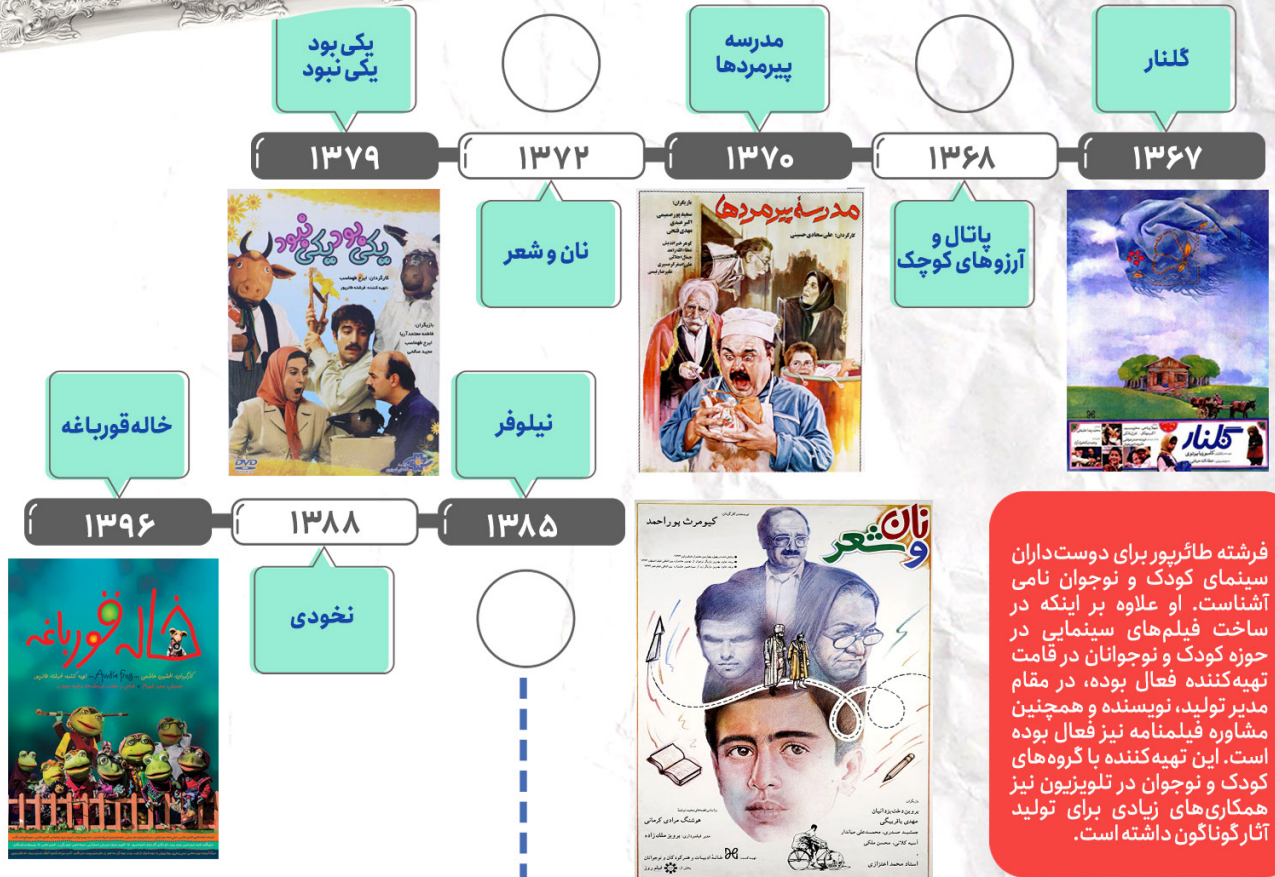
بهمن سال ۱۳۳۱ به دنیا آمد. همان روزهای اولی که پایش به کار باز شد، سراغ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و فعالیت ادبی در این حوزه را شروع کرد. این شد که نام فرشته طائرپور از همان اول به دنیای کودکان و نوجوانان در مقام تهیه‌کننده، مدیر تولید، مجری طرح و فیلمنامه‌نویس گره خورد. سال ۱۳۶۶ برای اولین بار گذرش به سینمای کودک و نوجوان افتاد، تا جایی که امروز خیلی‌ها معتقدند حجم زیادی از کوله بار خاطرات این حوزه، به لطف حضور والیته تلاش او جمع شده است. کارنامه‌اش پُر از انواع کارهایی است که هر کدام قواره سنگینی در ادبیات سینما و کودک دارد؛ سال ۶۷ با «گلنار» پا به میدان گذاشت و هر چه در توان داشت به کار گرفت تا اولین کارش وزنه لازم را داشته باشد. همین هم شد. نسل نوجوان آن دوران با گلنار زندگی کردند. پا به پای دلهره‌های گلنار برای پیدا کردن دستمال آبی که یادگار مادرش بود پیش رفتند و هیچ‌جا در خاطره‌شان تنهاش نگذاشتند. یک سال بعد نوبت به «باتال و آرزوهای کوچک» رسید و بعد هم «مدرسه پیرمردها»! باز مخاطبان، میخکوب یک نمایش دیدنی شدند؛ این بار نوبت مرد پیر قصه بود و پسرانی که برای تصاحب ملک پدر، او را در خانه سالمندان پنهان کرده بودند. سال ۷۲ «نان و شعر» را داشت و سال ۷۷ هم «پسر مریم». سال ۷۹ که نوبت به «یکی بود یکی نبود» رسید، هنرنمایی‌ها معنای دیگری گرفت؛ ایرج طهماسب، حمید جبلی و فرشته طائرپور، هر سه با هم یکی شدند تا کاری کنند کارستان. نتیجه‌اش آنقدر ماندگار شد که هنوز هم حرفش بین اهالی سینما هست.

سال ۱۳۸۴ «وقتی همه خواب بودند» را روی پرده نقره‌ای بُرد و همه را پای قصه بی‌بی سلیمه نشاناند. دو سال بعد آن «زن دوم» را داشت و بعد هم «نیلوفر». سال ۸۸ از پُرکارترین سال‌های حرفه‌ای‌اش بود.





فرشته طائرپور



فرشته طائرپور برای دوست داران سینمای کودک و نوجوان نامی آشناست. او علاوه بر اینکه در ساخت فیلم‌های سینمایی در حوزه کودک و نوجوانان در قامت تهیه‌کننده فعال بوده، در مقام مدیر تولید، نویسنده و همچنین مشاوره فیلمنامه نیز فعال بوده است. این تهیه‌کننده با گروه‌های کودک و نوجوان در تلویزیون نیز همکاری‌های زیادی برای تولید آثار گوناگون داشته است.



شراره داوودی

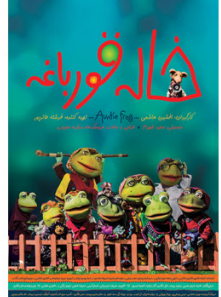


مدیرتولید:

مدرسه پیرمردها، ۱۳۷۰
نان و شعر، ۱۳۷۲

مشاوره فیلمنامه:

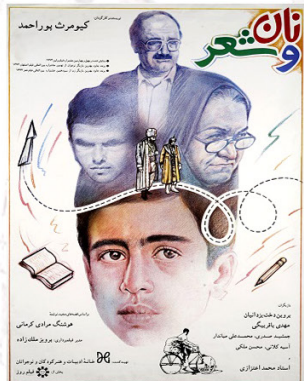
نویسنده:
نخودی، ۱۳۸۸



خاله قورباغه



یکی نبود یکی نبود



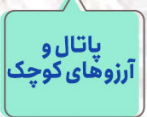
نیلوفر



نان و شعر



مدرسه پیرمردها



پاتال و آرزوهای کوچک



گلنار

برگزاری جشنواره را غنیمت شماریم

آثار این سال ها به وجود نمی آورد. تفسیر شما از سینمای کودک این سال ها چیست؟ من هم قبول دارم که تا حدودی در دوران رکود سینمای کودک به سر می بریم و به دوران طلایی نمی رسیم. در حال حاضر تمرکز سینمای صنعتی و تجاری ما به سمت فیلم هایی رفته که چندان مناسب کودکان نیست و هیچ نظارتی هم روی این مساله وجود ندارد. خیلی از شوخی هایی که در این فیلم ها اتفاق می افتد مناسب سن بچه ها نیست. فیلم زیادی برای بچه ها ساخته نمی شود و نگاه کارگردان ها به بازیگرانی است که شاید چهره های مورد تأیید کودکان نباشند. بسیاری از این تعداد آثار سینمای کودک این سال ها برای کودکان نیست و این یکی از معضلات بزرگ سینمای کودک شمرده می شود. با این همه امیدوارم با درایت مسئولان و تلاش سینماگران، روزی برسد که بتوانیم به آن نگاه آرمانی در سینمای کودک برسیم.

برای رسیدن به آنجا که باید، نقش جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان را به چه اندازه ای می بینید. به هر حال جشنواره کودک رویداد بزرگی است که در این وانفسای سینمای کودک باید غنیمت شمرده شود. نگاه شما به نقش

مجتبی اردشیری



«پژمان بازغی» بیش از ۲۵ سال است که به شکلی حرفه ای، مهمان خانه های ماست و تصویرش بر سر در سینماها نیز نقش می بندد. بازیگر پرکاری که این سال ها، ریسک حضور به عنوان مجری در برنامه ای با محوریت کودکان را پذیرفته و توانسته با اجرایی مطلوب، «کودک شو» را به یکی از برترین و محبوب ترین برنامه های سیما تبدیل کند. البته بازغی طی این سال ها همواره ارادت ویژه ای به سینمای کودک داشته و در چندین فیلم این گونه نیز حاضر بوده است که آخرین آن ها، «آهوی پیشونی سفید ۳» بوده است. فیلمی که نوروز امسال روی پرده رفت و توانست به فروش خوبی هم دست یابد. آنچه در پی می خوانید چکیده گفت و گوی ما با اوست.

آقای بازغی، شما یکی از علاقه مندان و پیگیران سینمای کودک هستید. در دوره ای به سر می بریم که با تعداد آثار سینمای کودک مواجه هستیم که می تواند به نوبه خود، نشانه خوشایندی باشد. از دیگر سو، منتقدان این تعداد آثار در سینمای کودک نیز معتقد هستند که این گونه، فاصله ای معنادار نسبت به دوران طلایی دهه ۶۰ و ۷۰ خود دارد که ماندگاری چندان را برای





جشنواره کودک چگونه است؟

کشورمان، از تلویزیون به سمت سینما کشیده شدند؛ خیلی ها هم از خود سینما شروع کردند و به تلویزیون آمدند. این اتفاق فرمول مشخصی ندارد. شاید فرمولی ست که در ذهن تهیه کنندگان ایجاد شده که این، قدرت ریسک آنان را پائین می آورد.

و البته که علاقه مندی شما به کودکان هم در پذیرش این ریسک دخیل بوده است.

دقیقا. عشق و علاقه در وهله اول است، چون بازیگری که علاقه مند نباشد، نه فیلم کودک بازی می کند و نه در برنامه کودک حاضر می شود. من قبل از اینکه در «کودک شو» اجرا کنم، در دو قسمت از فصل گذشته «محلله گل و بلبل» بازی کردم، یعنی کمتر بازیگری است که می پذیرد چنین کاری انجام دهد، چون اگر قرار باشد به تلویزیون بیاید ترجیح می دهد با یک نقش پر و پیمان تر بیاید تا اینکه بین یک برنامه ای برود و دو اپیزود بازی کند.

برای سخن آخر برگردیم به جشنواره، فکر می کنید مهم ترین اتفاقی که باید در امتداد برگزاری جشنواره رقم بخورد چیست؟

امیدوارم که امسال و در دوره سی و دوم، این بیانیه و اتفاق به وسیله بزرگان جشنواره کودک رقم بخورد که فیلم های برگزیده در شورای صنفی نمایش، این اجازه را داشته باشند که در بهترین شرایط و زمان، اکران بگیرند، نه اینکه در موقعیتی اکران شوند که چندان مطلوبشان نیست. هیچ فرقی نمی کند شما فیلم کودک بسازی یا فیلم بزرگسال، چون هر دوی این ها به یک اندازه زحمت دارد و چه بسا انتخاب بازیگران ژانر کودک سخت تر هم باشد.

هم باید بپذیریم که جشنواره در مقطعی در برخی امور کوتاهی کرده و هم اینکه باید برگزاری و وجود آن را غنیمت بشماریم. اینکه می گویم کوتاهی به این معنی است که جشنواره کودک باید با شورای صنفی نمایش به یک نتیجه ای برسد که اکران مناسبی را برای فیلم های برگزیده جشنواره کودک داشته باشد، نه اینکه این آثار ارزنده را در زمان اکران مرده روی پرده بفرستند. اصولا فیلم هایی که می فروشند، هر زمان که اکران شوند، فروش خواهند داشت چون هم ژانرشان مشخص است و هم کارگردان آن ها، هم بازیگران و هم مدل فیلمسازی شان. این آثار سینمای کودک است که با اکران در زمانی نامناسب، هیچ اتفاقی برای شان نمی افتد. بنابراین بهتر است یک جابه جایی برای اکران فیلم های کودک داشته باشند، به ویژه برای فیلم های برگزیده جشنواره کودک تا این آثار در یک زمان مناسب تری اکران شود.

البته زمانی که خبر پیوستن شما به «کودک شو» منتشر شد، همه متفق بودند که شما یک ریسک را پذیرفتید، چون سایر بازیگرانی که از سینما به تلویزیون آمده و به اجرامی پرداختند، عموما یا مسابقات را اجرا می کردند یا برنامه های سرگرمی را. چه شد که تن به این ریسک دادید؟

بله، کاملا ریسک بود. ببینید تلویزیون در بدترین شرایط خود، حداقل ۱۰ درصد جمعیت کشور معادل ۸ و نیم میلیون بیننده دارد و اینکه صرفا کسی فکر کند که حضور در تلویزیون سبب می شود که بازیگر در سینما کمتر دیده شود، اصلا درست نیست چون این ها، دو مقوله کاملا سوای یک دیگر هستند. خیلی از بازیگران خوب حال حاضر



قلبی که زود از تپش افتاد سعیده نیک اختر

همه بچه‌ها آرزو دارند یک عروسک سخنگو داشته باشند. حرف بزنند، راه بروند و هر وقت حوصله‌شان سر رفت با آن‌ها بازی کنند. بدشان هم نمی‌آید هزار چندگانه‌ی همراه عروسک، ماجراجویی کنند. بچه‌های دهه شصت یکی از این عروسک‌های دوست‌داشتنی را در برنامه کودک شبکه دو می‌دیدند. قورباغه سبزی که شلوار پیش‌بندی سبز پررنگی تنش بود و کفش‌های قرمز نوک تیز داشت، چشم‌های قلمبه و دهان گشادش خیلی خودنمایی می‌کرد؛ این عروسک، دوست‌داشتنی بود. از قضا بسیار هم شیرین‌زبان و زیل بود و بلبل‌زبانی می‌کرد. بعید نبود خیلی‌ها به آقای مجری یا عروسک‌گردان قورباغه سبز (علیرضا توتونچیان) به خاطر داشتن چنین عروسکی، حسودی کنند. قورباغه سبز یک ویژگی رشک برانگیز داشت، اولین عروسی بود که از پشت میز بیرون آمده بود و پا داشت. در خانه قدم می‌زد و گاهی با هم‌خانه‌ای‌اش به پارک، گردش و بازار می‌رفت. جسور و کنج‌گاو بود و در مقایسه با دیگر قورباغه‌ها هوش سرشاری داشت. مثلاً اگر در درس درستی می‌کرد یا خرابکاری راه می‌انداخت با چرب‌زبانی قضیه را جمع‌وجور می‌کرد تا کسی دعوایش نکند. اما مهم‌تر از خود قورباغه، عروسک‌گردان یا هم‌خانه‌ای‌اش بود. علیرضا توتونچیان، اینقدر خوش‌برخورد و مهربان بود که قند در دل بچه‌ها آب می‌کرد. رفتارش با قورباغه کاملاً منطقی و دوزاخ‌سختگیری‌های پدران و مادران بود. همیشه سعی داشت رضایت قورباغه را جلب و رفتارهای ناپسندش را با سعه صدر تحمل کند. جذابیت کار توتونچیان در این بود که مجبور بود علاوه بر عروسک‌گردانی قورباغه، مقابلش نقش بازی کند. در واقع بازیگر نقش قورباغه، سرکش و پارتنر مهربان یک نفر بود و این کار را سخت‌تر می‌کرد. کاری که بعدها خیلی از عروسک‌گردان‌ها همین شیوه را ادامه دادند و موفق شدند، مثل نگار استخر و عروسک‌سنجد یا محمد لقمانیان و عروسک لقمه. توتونچیان توانست جانی تازه به عروسک‌گردانی در تلویزیون بدهد و قورباغه سبز را به عروسکی محبوب تبدیل کند. عروسکی که شخصیت پیدا کرد و بعدها از روی آن سریال و دو فیلم سینمایی ساختند. شاید اگر قلب مهربان خالق قورباغه سبز زود از تپش نمی‌افتاد، شاهد هنرنمایی‌های بیشتری از او بودیم. علیرضا توتونچیان با قورباغه سبز در ذهن همه بچه‌های دهه شصت ماندگار شد، اما خیلی زود در بهمن ۱۳۶۸ با دنیا خداحافظی کرد.

Raed Faridzadeh:

Iranian children and the youth cinema enjoys special place in the world

International Manager of 32nd International Film Festival for Children and Youth Dr. Raed Faridzadeh said the Iranian children and the youth cinema enjoys special place in the world.

Talking to Mehr News Agency, Dr. Raed Faridzadeh said: "At the festival's press conference, many aspects of the international section were mentioned, and if I want to summarize what would happen at the festival for the first time this year, it is the creation of a video library featuring a collection of recent films on children and adolescents as well as top works. My colleagues have collected the works in the past 40 years to screen for festival buyers, directors, and planners."

Paying Due Attention to Festival's Market

"This is a step towards the festival's focus on the child and adolescent cinema market, and for this reason, alongside a video library of regional buyers whose children and adolescent cinema is important to them, focusing on countries in the region that share cultural interests with Iran. Of course, a number of European and Asian countries have been invited to watch the films this year, as well as negotiate with broadcasters and select works from the video library," he added.

Joint Production Panel in Child Cinema

Faridzadeh also commented on the co-production section of the festival, adding that: "Along with this section, with the help of my colleagues, we designed a co-production panel focused on child and adolescent cinema, which has been invited from Serbia, Pakistan, Turkey, Germany, South Korea and Russia. Iranian filmmakers, directors and actors involved in co-production have also been invited to hold talks on the matter. On the last day, the Iranian cinema's technical and content capabilities are to be unveiled."

Targeting the Workshops

He said the workshop section has been added to the international section of this year. "We have tried to make the workshops a little more targeted and to review the areas like VR, virtual reality and reality," Faridzadeh added.

Review of Children and the Youth Cinema

He added several top international film critics from South Korea, Germany, Armenia, Berlin Film Festival and Cannes Film Festival would take part in this section and Late Abbas Kiarostami and Majid Majidi works also will be reviewed by an Armenian cinema teacher.

Selecting Criteria of International Selection

Commenting on the criteria for selecting the films by selecting committee of International Section, Friedzadeh said: "The criteria are exactly based on what was announced in the call, such as ethical and human aspects, child and adolescent education in the global arena, peace, the environment, and so on."

Variety of Films and Genres

"We wanted to take into account the diversity of films and genres. This year has been a very diverse year for the festival. Several representatives from 42 countries are presenting their works and 28 films from Asia, Eastern Europe, Turkey, and even Singapore will be displayed."

Paving the Ground for the Globalization of Iranian Children's Movies

He added that the festival is a great venue to introduce the Iranian films in the world.

Special Place of Iranian Children and the Youth Cinema in the World

At the end of his speech, he said: "If we look at the history of Iranian cinema after the Islamic Revolution, the achievements of Iranian cinema in the international arena will begin with the cinema of children and the Youth, and that is why our children and the Youth cinema has always had a special place in the international arena, which unfortunately has been neglected in recent years." Presided by Alireza Tabesh, the 32nd International Film Festival for Children and Youth is slated to be held in Province of Isfahan on Aug 19-26, 2019 in the feature, short story, web series, long animation, short animation sections.



کامنتوسینما احمد غلامی

Iraj Tahmasb نقش جهان - اصفهان

Rambod javan به احترام مردم خوب ایران هیچی نمیگم... مردم خودشون بهترین قاضی هستند
49m 1023like Reply
Hide replay

Thiago Silva Congratulations ❤️❤️❤️
@Jenabkhan my dear friend
49m 1023like Reply
Hide replay

Jenab khan قربانت ، فداااات، بوس، بوس
@Thiago Silva
49m 1023like Reply
Hide replay

mohammad bahrani کجا باید برم په دنیا خاطر تورو یادم نیاره کجا باید برم، که یک شب فکر تو منو راحت بذاره؟
49m 111like Reply
Hide replay

AHLAM الان تکلیف من چیه؟
55m 2567like Reply
Hide replay

moo ghashang برداشت ۱۰ هزار تار مو، با حداکثر تراکم و ایجاد طبیعی ترین خط رویش
56m 2567like Reply
Hide replay

moo ghashang دیگر نگران ریزش موی خود نباشید...
58m 2567like Reply
Hide replay

Jenab khan داره میریزه...
58m 3040like Reply
Hide replay

Hojiiii 732 بهترین همکاری... بهترین
62m 666like Reply
Hide replay

iraj.maleki مخلص دوستای گلم برم...
62m 666like Reply
Hide replay

Jenab khan باشه برو... فقط رسیدی زنگ بز
62m 666like Reply
Hide replay

Iraj Tahmasb نقش جهان - اصفهان

212276 Likes

Iraj Tahmasb همراه با دوست حرفه‌ای و هنرمند جناب خان در یک ماجراجویی جالبتر...
41m #جناب_خان #هنرمندمردمی #ایرج_طهماسب

Hamid Jebeli ایرج!!! داستان چیه؟ نکنه... پس تکلیف کلاه قرمزی چی میشه؟
41m 723like Reply
Hide replay

Kolah Ghermezi official به به به ، امیدوارم که موفق و پیروز باشید رفقا...
41m 1like Reply

Jenab khan اولاً ما با تو رفیق نیستیم دوماً حتماً هم موفقیم... شک نکن
13m 889like Reply
View more replay (173)

Kolah Ghermezi official ما که بخیل نیستیم اما تلویزیون با سینما خیلی فرق داره، مواظب باش اشتباه نرنی داداش
15m 1200like Reply

